

## چنگیز های زمان!!!



شدم؟ انکار دست بردار نبود. با خودم گفتم:

دیشب خواب دیدم «چنگیز خان مغول» نوی عالم بزرخ داره عشق و حلال میکنه! شوار چه غلطی کردم بیش گیر دادم ادامه داد من  
لی پاش بود. تیپ اسپورت زده بود. کلاه لبه دارش را بر عکس مذاقته بود و توی گوشش  
هدفون بود و موسیقی گوش میداد. آناس میجوید! کتوی آیدیاپس پاش بود روزی توی  
شوت سفیدیش بزرگ نوشته بود «صلیلات» با تعجب و خیر رفت طرفی گفت: خلبی  
خراب کرد؟! گفتم: نه حاج آقا شما نکردی! عندر میخواهم! جباب، شما چنگیز خان مغول نیستین؟! هدفون را گوشش کشید بیرون  
و گفت: منظور؟! گفتم: خب به ما گفتن شما خلبی خون ریز بودین! بس چرا غذاب توی  
نمیکنی؟! صدای «جواب پسرای» داشت از هدنونش می‌آمد ز روی شاهه ام و گفت:  
بالاخره ما هم یک تخفیفی در عذاب داریم دیگه! خدا مهربانی! گفتم: آخ شما زین دهن  
ملت را سروس کردین بزرگوار لخند لخی زد و گفت: دین خدا را که تک در تکرده است  
حسابی داغ کرد بود. ادامه داد. دست روی قران که مذاقتش و قسم دروغ نخورد  
اهل البيت که دروغ نیستم. امام رضا علیه السلام را که نداشتمن قصه اول کنسرت موسیقی!  
که شما ایرانی ها خدمت کنیم! نژول و ریاضواری را که من تزییز نکردم به باتکها با  
ترس گفتم: درست میفرمایید شما امامه داد. بقیه اخلاقیان خدا نمی تکرم! کما با سنبیر و  
سینه و شعیعه اخلاقیان خدا نمی تکرم! سریع دستش را کلک زدم و گفتم: افام غلط کردم!  
بن ۱- اینکه در متن ذکر شده خدا میخوبون هست تخفیف داده، به این معنا نیست که ما  
به اسم خودم سر ملت را ببریم! هر غلطی کردم به نام خدا و دین اصلشما شهید چنگیز خان مغول! «خوبیه» من حرفم را پس گرفتم! سه نقطه خودرم!  
خدای دست دراز کرد و گلوبم را اشاره داد. افزار داده از هفتم را فروخت. داشت خمه ام میکرد  
هر غلطی انجام بدیم و چون از ما بذرخست خدا بخیال دادی گفت: عزای حضرت محسن را من تخریب کردم؟! من منکر اولاد امام حسن علیه السلام  
بese من فرایدی قیامت حلال تو نمیکنم به موذ نفس زنان از خواب بیدار شدم.  
۲- اینکه متن نظریه ایست و به تعزیری تخلص- از عبارات درون آن سو برداشت نکنید



سید سعید حسینی (دانشجوی ارشد پیوسته حقوق)

## خروج از مسیر....!!

آری، خروج از مسیر که منحرف شده تو سطح برخی تشكیل ها و نشیبات خود  
پسبرت پنداز از اهداف و وظایف اصلی و صحیح خود وظایفی که اگر به درستی احتم  
دلها باشد مطالعه و غلبه از وظایف اهانت است که امروز جای خود را به نقد  
لجهزاین داده و این نوع نقد نجک حریصت برای عدو از مسیر و هدف اصلی  
شوند. بعذالت. خو در داشتگاه و حتی فراتر از آن در جامعه جلوه بدیا می کند.  
از ایشان سلطخ اگاهی دینی و سیاسی در سلحنج داشتگاه از وظایف تشكیل ها و نشیبات  
است که امروزه ماهد هستیم که ساخت دینی مظلوم ترین مطلب برخی شریعت پس از  
و مسائل سیاسی هم بیشتر سیاست زدگی داشتگاه را در بی دارد. از طرف دیگر خوب  
می دانیم که از وظایف تشكیل ها و اشتجوانی فعل فرهنگی هنگام راهبردی به انتقام  
و نفعک برای اینده است که متأسفانه در حال حاضر حجم و سمعی از زمان و فعلیات  
های خود را صرف گذشته و مسائل این میکنند که چندان اثری نه به حال و نه به  
گذشته و نه به اینده هی ما دارد. از طرف دیگر از وظایف مهم و حیاتی تشكیل ها  
جهنم فکری و بیانی در مسائل مهم کشور و حتی فیزیکی در موقع لزم، که متأسفانه



کرسی قدرت نشستند و دین را به بازی گرفتند. بدحجاب را باید دعوت کرد. به پهلوان  
از ضروریات دین اسلام و مکتب تئیین است حکم الهی است. به صراحت در قرآن و  
کلام معموم امده است. اما ای فران مم مطل گشت از اسلام «دبیانی باتوی» دراد؟!  
روشن معموم همراه با مهر و محبت و ملطف و لبخند همراه است. معموم باتوم و  
ذوقفراش را بر سر داشتمان آن الله و عاصیین و خلائی خوب فردیم او، بدحجاب  
یک نفر، فقط یک نفر توی این هشتاد میلیون جمیعت ایران بیدا بشود که باید به  
من بگوید هنین با گذک گشت از اسلام خیلایها مجحب شده ام که باید بگوید گشت  
از رساند «من را به حجاب و مقوله عفاف علاقمند کردا باور گند چینیں کسی وجود ندارد  
اما خیلای نفر ام و خود دارند که قسم میخونند بعد از خوبیان «گشت از اسلام» و نوع  
را میشن گذاره ام و زوجات دیگری را که هر چند مهرب هستند اما اهم نیستند را اصل  
برخود اینگونه با مقوله «بد حجاجی» و «لین حجاجی» نسبت به «جادر» و «جادری  
اوی قسرا داده ام؟! و چرا فقط بی جهابها و بد حجابها میگوییم «حواب خون شهیدا  
های و محبیه های» و «حجاج» بیزار شدند. حالا خیلای از این افسار وقتی «زن جادری  
رو گرفته» را که نوی خیلایان بینند با کتابه و طمعه و اخم نگاهش میکنند. این اتفاق

## چگونه مردم را از حجاب متنفس کنیم

عقیده و ایمان تنها با ازادی و انتخاب شکل میگیرد.  
آن که گمان میکنند باورها را میتوان بوسیله اجرای و خشونت تقویت نمود. سخت  
در اشتاهند.

ذکار انتها از مذکور، لست علیهم بمصیط (الفاشیة)  
ای پیامبر! تذکر بده، که رسالت تو تنها بند دادن است. و تو هرگز بر مردم مسلط و  
چیزهای نیستی.

یک نفر، فقط یک نفر توی این هشتاد میلیون جمیعت ایران بیدا بشود که باید به  
من بگوید هنین با گذک گشت از اسلام خیلایها مجحب شده ام که باید بگوید گشت  
از رساند «من را به حجاب و مقوله عفاف علاقمند کردا باور گند چینیں کسی وجود ندارد  
اما خیلای نفر ام و خود دارند که قسم میخونند بعد از خوبیان «گشت از اسلام» و نوع  
را میشن گذاره ام و زوجات دیگری را که هر چند مهرب هستند اما اهم نیستند را اصل  
برخود اینگونه با مقوله «بد حجاجی» و «لین حجاجی» نسبت به «جادر» و «جادری  
اوی قسرا داده ام؟! و چرا فقط بی جهابها و بد حجابها میگوییم «حواب خون شهیدا  
های و محبیه های» و «حجاج» بیزار شدند. حالا خیلای از این افسار وقتی «زن جادری  
رو گرفته» را که نوی خیلایان بینند با کتابه و طمعه و اخم نگاهش میکنند. این اتفاق

وسط این همه دعوا و انتقاد و دانشجوی عاشق هم بیداش و این دکمه های مانعه و خشمگین...  
بیوی به دانشجوی عاشق هم بیداش و این دکمه های مانعه و خشمگین...  
ما فرستاد...!! از اوچاچایی که این شماره ما تقدیر با سیاسی بود و جایی برای  
حرقهای ادی در ظرف تکفه بودیم و از طرفی هم «ارکان الهدی» فضایی  
است برای بیان حرف ها و فرایدهای همه دانشجوی ها. من و روبرو حسب  
وظیله منتشر کردیم اما نیاز به توضیحات هم بود. که خدمتمن از این دادیم!

از این پس تنها ادامه خواهم داد...  
حتی در زیر مبارک به درخواست جنر باست ره می دهم  
می خوام نهایی ام را رخ این هوای دو نفره بکشم...  
نیار بارون... نیار... نه جنر دارم... نه بار!!

دلخوه...





## سهام عدالت را که ندادید، لااقل سهام اختلاس را بدهید!

ملکت جالی داریم! همه با هم فرباد میزینم آی دزد! (حتی خود دزد هم فرباد میزند، ای دزد!) همه جز از خود، از همه بجز و همه کس، زنده و مرده انتقاد میکنیم! همه شمار میدهیم! و کتر کسی اهل عمل استا! (۱) صدایش در می آید! (بدین گونه است که هویت خرابکار در هاله ای از نور! بیخشنید، ایهام خواهد ماند.)

همه دم از وحدت میزینم! در حالیکه اگر قدرت داشته باشیم کمر منتقد و مخالف را

بیشکنیم! همه دم از دین میزینم! همه میگوییم! است! (۲)



گوشی امریکاست! بعدم میگوییم: اگر نزار باشد در چشم هم با امریکایی ها مذکوره می کنیم! اما در مشتمل حقوق مستضعفین میزینم! اما نلاش میکنیم در بخش های مرغه شنین شهرمان زندگی کنیم! همه دم از دفاع از اما دهن ها را با کاه پر میکنیم! همه میگوییم دین از سیاست جدا است! اما مصالح اتفاقاً کرد دین را فریبانی میگیریم! همه در این کشور به نوعی کارشناس امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دینی هستیم! و جالبه که همه یکدیگر را بسوانید! میدانیم اهمه میگوییم مرد خوبه ایا برای همسایه! و همه میگوییم و میگوییم .....

اما تنها چیزی که همه نمیتوانیم انجام بدهیم اختلاس است! و این بیانات نامدست است!!

بی نوشت:

(۱) منظور از اهل عمل اهل کار است والا اهل عمل شکر خدا زیاد داریم!

(۲) این مطلب را انصافاً همه بگفتم و لی جون تحواسم قایلی بهم بخورد و به همه! بر بخورد دست همه رو بند کردم!

ومن... توفیق!  
مسعود بحرپی

## الْتَّقَادُهَايِ الدُّرُّى!!!

نویسنده: محمد علی شفیعی (رشد پیوسته حقوق)



که وقتی این مقاله نامه های تخریبی در شریات دانشجویی بروز بیدا می کنند، این اختلافات دیگر به خود حله ای اجتماعی و گسترده اطلاق تری می بینند. شاید بتوان برای بروز این اختلافات ها در قبال انتقادهای تند، فایده نامه ها روشگری ها و اعمال این رفتارها، بتوان کمی مسح گذاشت براین موضوعات که شاید، شاید برای رشد علمی، روشگری و امثال این روجهات هستند، اما ای واقعی این برخورد را که با هدن باز و خارج از دین با اپاراز فطرت انسانی به معنای

عام به مسائل تنهای می کند **برای تخریب ای بصیرت**. افرادی که می گذرند در روشگری بدون هیچگونه جه گیری سیاسی می کنند

**برای تخریب ساده لوحانه نویس** و افرادی هم که در برای مسائل بین الملل خواستار احتراف حقوق کشور هستند و عالمی دادلی و خارجی را مقصراً سهل اگاری ها می دانند **برای تخریب دلایل و نتایج ناپایه** می شوند و امثال این موارد، که کم هم نیستند به همت باری بجزئی ای که بشرش به فکر منافق فردی، سیاسی و درون تشکیل خود هستند، تا صالح جانمه، خواست و غایل های ضروری جانمه، نکته آنکه: پاید بذیرفت عموم این مقالات مقابله ای برای تخریب جایگاه مقابلين نوشته می شوند تا کتفت پایین فعالیت ها و منتشرات با کیفیت پایین فعالیت های تووجه شو، والا اگر هدف پیشرفت، روشگری، اتفاق حق، عدالت... بود، چرا تجلیل و تحلیل های مقید از برایم های مازنده و مفید که در دانشگاه برگزار می شوند جایگاهی در

نشریات دانشجویی ماندارد؟! لذا در این زمینه اصلاح دیدگاه و منطقه و منصفانه نگاه کردن به مسائل و اختلاف از نظرها لازم است و زمینه میانجایی باید تبادل دیدگاه هاست بدرباله جای القا و نقین دیدگاه، که همین تگ نظری هاست امور پویایی و سازنده ای اجتماعی را از تشکیل های دانشجویی و به تبعیت اولی از نشریات دانشجویی گرفته است ولای ادامه من زدن به این اختلافات سطحی و دست گذاشتن روی نقطه ضعف های توائد تشکیل های دانشجویی ما را زیبیر و هدف اصلی خود خارج کند و این اختلافات را به مسائل حادتری تبدیل کند.

دقایقی از نیمه شب گذشته بود، سکوت بر سراسر اتاق تاریک من حکیمت می کرد. نور گوشی، مستطیلی روشن روی صورت من انداده بود و من در حال بررسی بیچاره های شخصی ام در فضای جگای بودم، نوبت به نکارام، آخرین استگاه قبل از روضن شدن قفلار خوابم رسیده بود و عموماً هم طولانی ترین استگاه طبق روال مرسوم میان عده کاربران ایرانی ایش از ۴۰ درصد پیام های ورودی مرتبط بود به کاتالی ها و گروه هایی دو که گاهی فقط باز می سووند تا هشدار یام های جدیدشان ایش بشود. در این میان به کاتالی رسیدم که تنها یک پیام داشتم، تصمیم گرفتم آن را بخوانم، به جای باز و سسته کردن کاتال بدون توجه به پست ارسالی آنها.

تیتر جنجالی داشت:

«....اسم یکی از تشکیل های دانشجویی و هنجار شکنی که در ادامه عنوان شده بود که شریه تشکیل آنها فردا جلوی سلف بخش خواهد شد. فردا که شد اصلاً از کلاس های صبح تغییرمیدم و با خود کردم تا من را خواهند، نهاد نیز تخریب.

امهیت اینکه حتماً می بايست آن متن را مخواهد این بود که تشکیل مورد اعتماد واقع شده همان تشکیل دانشجویی است که من غصه شوای مرکزی از بودم و دریای من در تمام فعالیت های اخیر این تشکیل دیده می شد. من را که خواهند احساس توهم و حقارت توانم با خشونت عجیبی بهم دست داد امکار سنته باشند مرا به درختی و هدام چسبی زده باشند و هم ای در مقابل هرچه می خواهند بگویند و شدود گان برای آنها بنشانم ای تابید دست بزنند و من حتی نتوانم کوچترین دقایقی از خود بکنم، هدف مفحکانه ای داشت من اخیر و پیشتر جنبه ای مقابله کویی داشت، امکار نوشت شده بود در برای انتقاد بد و قصد و غرض و سازنده ی ما که در شماره قلی شنیره مان نسبت به آنها مطروح کردیم که حتی جای برداشت به توهم و جسارت هم وجود نداشت.

علی شفیعی:

چندیست که شاهد چنین برخورد هایی در سطح دانشگاه هستم، برخورد

های بین تشکیل که یکی از قاب های بروز آن نشریات دانشجویی است، البته

بن برخودها و تعارضات گسترده نر است ولی نشریات را از جهت بیان کردم

# الهُدَى

گاهنامه مستقل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی / شماره هجدهم / آذر ۱۴۰۵



## شناخته نشیده

نخستین گاهنامه مستقل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی سال چهارم - شماره هجدهم - آذرماه ۹۵

صاحب امتیازه میر مصوّل: میلاد رازع

سردبیر: علیضا خضرایی

**هیئت تحریریه:** سید سعید حسینی، محمدعلی شفیعی، پور وی، شعبانی  
جعفری، رازی، محمدی، نایابی  
توجه: ارکان الهی، گاهنامه ای از ای رای قلم  
دانشجویان: و مطالب مدرج در آن صرفاً اقتضاد و موافعه مسئولین آن نمی باشد.

## نگاهی به ترویسم‌های سایه نشین!

این‌ان جه کسانی هستند و در کجا بیند؟! چندان نیازی نیست به دور دست تووجه کنید، در همین گمین نیز هستند!

\* تحریر: مسعود بحرپوش



اگر مسئولین جلوی این حرکت‌های تروریستی را نگیرند و این بصورت یک فرهنگ هستند و... زدن برچسب و مارک‌های مختلفی است که این ترویستها دارند مجهز هستند موانع امنیتی برای تغیر چهره شخصیت‌ها و حرکت‌های مدھیه عموماً مستقل! این گروهها اجماع تحرکات نظامی و حذف فیزیکی طرف با طرقهای مقابل می‌باشد. با اینکه می‌دانم همه با این مطلب من اشتباه می‌خواهم بدان سیاره کوتاه اشاره ای نمایم! ما در بین گروههای نظامی و شبه نظامی تسرور، گروهی کاره که اکثر خودنمای از ترویستهای القاعده باید داشت کمی از این ندانند. این افراد با گروهها که با در اینجا از این بعنوان ترویستهای در سایه نام میرم به بالا می‌برند گروم، بلکه اقام بصورت سیار حرفة ای و ناخسوس مغلوط فعالیت هستند. این چه کسانی و کجا هستند؟ خلی ذهن خود را به دور دست متوجه کنید هر چند هر چه دور را نگیرم بهتر می‌توانم این را اینستین و لی کام می‌شوند این افراد در تزدیکی ما نیز وجود دارند! این مام نلاش خود را می‌کنند تا این چشمانشان را با دور دست خبره کنیم و خود در سایه ای از اینستیت اقدامات خود ادامه بدهند. این ترویستها به دو دسته اگاه و نا اگاه تقسیم می‌شوند. ترویستهای اگاه اینها هستند که بر نامه و با عقیله ای سازمان ایفته این اقدامات دست می‌زنند ولی ترویستهای نا اگاه افرادی هستند که در جیل و بصورت رایگان و کم هزینه در داخل با اقدامات نایابداهه اقداماتی را انجام می‌دهند که نتیجه این رسیدن به اهداف ترویستهای اگاه منجر می‌گردد! تحریب چهره افراد، گروهها، حرکت‌های اسلامی و... یکی از اصلی ترین اقدامات این ترویستها می‌باشد متأسفانه این ترویستها کام در برخی نقاطی دیده می‌شوند که موقع آن نمی روید! بهترین راه برای تحریب چهره افراد اعم از سیاسی،



تقریبت، ترویسم با انواع پیشوند و پسوند از این سالها بسیار شنیده ایم و تا حدود زیادی با این اقسام انشا هستیم بسیاری از ما به محض شنیدن این کلمه، عبارت: القاعده و داشت و گروههای شیعه ای در ذهنمان تداعی می‌شود... بزرگترین مشخصه این گروهها اجماع تحرکات نظامی و حذف فیزیکی طرف با طرقهای مقابل می‌باشد. با اینکه می‌دانم همه با این مطلب من اشتباه می‌خواهم بدان سیاره کوتاه اشاره ای نمایم! ما در بین گروههای نظامی و شبه نظامی تسرور، گروهی کاره که اکثر خودنمای از ترویستهای القاعده باید داشت کمی از این ندانند. این افراد با گروهها که با در اینجا از این بعنوان ترویستهای در سایه نام میرم به بالا می‌برند گروم، بلکه اقام بصورت سیار حرفة ای و ناخسوس مغلوط فعالیت هستند. این چه کسانی و کجا هستند؟ خلی ذهن خود را به دور دست متوجه کنید هر چند هر چه دور را نگیرم بهتر می‌توانم این را اینستین و لی کام می‌شوند این افراد در تزدیکی ما نیز وجود دارند! این مام نلاش خود را می‌کنند تا این چشمانشان را به دور دست خبره کنیم و خود در سایه ای از اینستیت اقدامات خود ادامه بدهند. این ترویستها به دو دسته اگاه و نا اگاه تقسیم می‌شوند. ترویستهای اگاه اینها هستند که بر نامه و با عقیله ای سازمان ایفته این اقدامات دست می‌زنند ولی ترویستهای نا اگاه افرادی هستند که در جیل و بصورت رایگان و کم هزینه در داخل با اقدامات نایابداهه اقداماتی را انجام می‌دهند که نتیجه این رسیدن به اهداف ترویستهای اگاه منجر می‌گردد! تحریب چهره افراد، گروهها، حرکت‌های اسلامی و... یکی از اصلی ترین اقدامات این ترویستها می‌باشد متأسفانه این ترویستها کام در برخی نقاطی دیده می‌شوند که موقع آن نمی روید! بهترین راه برای تحریب چهره افراد اعم از سیاسی،

مسعود بحرپوش  
مدیر موسسه راهبردی گفتگوهای انتظار

تکاہی به حواسی مراسم روز دانشجو داشتگاه ولی عصر (ع)

## تشکل‌های اسلامی؟!



بکنید و دقت کنید که افراد، افرادی باشند که سایه آنها و قبل از انقلاب آنها و در انقلاب (آنها) درست باید و با شاختت کامل در این انجمن‌ها وارد داده شوند. این اینچون گفایلشنان سیاره ارزش دارد، لکن یک مک مهفو مسئولیت‌گذار دارند که مسئولیت‌شان هم بزرگ است.

۶ آذر ۱۳۹۶ به طور واضح مرحوم امام این نکته را باز اور شده اند که افراد معرفت می‌دانند در تشکل‌ها و اینچون های اسلامی نفوذ کنند که علی‌الله عاصم موقع هم بوده اند اکنون بهترین راه برای ملکوبی از حلف افراد منحرف و از این طبقه این نکت هاست سخنان رنگ انقلاب را برای آنی که مدھی پیری از ولایت هستند را باید اور می‌توانند اینسان این فرمودند: «خرافات‌تایید به ششکش تبدیل و ششکش تبدیل و ششکش اتفاقی به گوئی ای کنند که راهداری و تحمل مخالف در مطبوعاتی داشتگاهی جایبند»

ایدی است این حواسی ایجاد شده، به گشکش بین نشکل میکنند که علی‌الله او...! چرا برضی با بغض و کینه و نگاه صرف و می‌دان از این های اتفاقی تبدیل نشود چراکه در این میان «دانشجو» که به قیمت زیر سوال و فتن کل مجھوشنوں پیش برو؟! نظر خصمین اینه که هر قدرم کی کار بد پاشه با نقد تند و شدید و جو مشتخت چیزیو حل نمیکنند... کمی از هرچهار کوک بگیرید...

وی بجهیز و میشه تغیر دادی یک هم دلی...»

از سوی نیز درجه کردی می‌شون سیستم داشتگویان داشتگاهه اسلامی

پس از حواسی برآمده اعلام می‌دارد: «اطرافدار هیچ بزیر و جانخانی نیستم /

شانمان بالا نوار این می‌باشد که پشت حزب یا جناب یا شخصی باشیم / تنها

به دنیا اگاهی بخشش ستم»

نه تنها که به دهنم اند و اینکه: در تشکل‌ها یک نوع طرز تکرار وجود ندارد!

حسایی ایجاد شده به انتقاد از جناب‌های سیاسی حاشیه اسلامی ساز برداخت و گفت:

«درکشون چه میگذرد؟! در داشتگاه چه خبر است؟! چرا با باری با کلمات سی

زیر سوال؟ چرا طرفی که خودش محوای برنامه و تعیین کرده مسوون خالی

همه ما کم و بیش از حواسی مراسم ۱۶ آذر ماه مطلع هستیم. نکته ای ذهن را به خودش منعول کرد که «تشکل‌های اسلامی» داشتگاهه اسلامی هستند؟! نقض اسلام و الگویی از آن تا چه انداره در تشکل‌های داشتگویی حاصل است؟! دارد؟! از موافق «جنین اسلامی» نا جامعه اسلامی! حکایت از یک نکته دارد و این

مطلوبیت اسلام است و این از اینستین همه را یک چوب زد!

شاید از خود رسید چرا اینستین می‌نویسد؟! وقتی «تشکل جامعه اسلامی» رسما در اطلاع رسانی برآمده هایش می‌نویسد: «هیه کوری چشم بد خواهان...»! سما کام می‌توانی اسما را در چینی ادبیاتی مشاهده کنید؟! را رضایت خداوند و اولیاء او مد نظر و هدف است و با «کوری چشم» این و آن؟!



این درحالیست که قائم مقام تشکل جامعه اسلامی جناب آقای

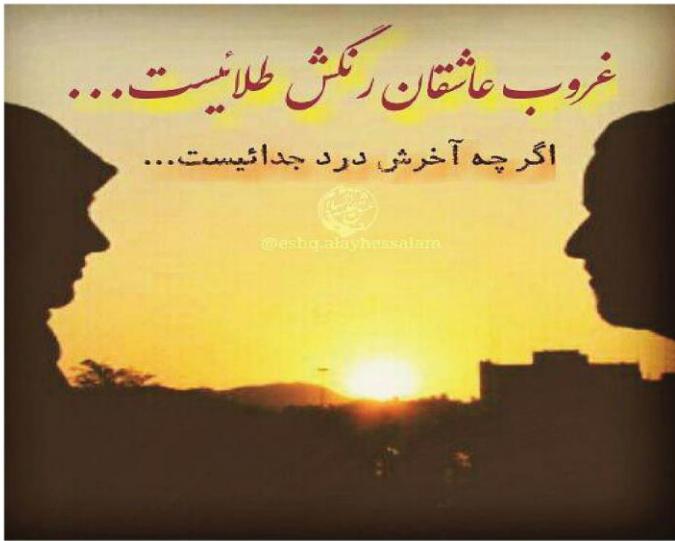
سید جعید خالوی در مقدمه اینستاگرام شخص ایشان اتفاق از

حسایی ایجاد شده به انتقاد از جناب‌های سیاسی حاشیه اسلامی ساز برداخت و گفت:

«درکشون چه میگذرد؟! در داشتگاه چه خبر است؟! چرا با باری با کلمات سی

زیر سوال؟ چرا طرفی که خودش محوای برنامه و تعیین کرده مسوون خالی

## میروم تا تو بمانی...



قرار بود وقتی از سوریه برگشت، خونه پدرش هیئت بگیریم و شام بدیم و گوسفند بکشیم. خب عزیزمون از سفر برگشته بود. خودم به تنها یی خونه رو مرتب کردم و فرشارو شستم، که وقتی میاد خونه تمیز باشه! انجام این کارا همش عشق میخواهد، آش پشت پا و اسش درست کردم، چون دفعه اولش بود که میرفت. سفره هم نذر کرده بودم که فقط بر گرده! زمانی هم که خانوما رو دعوت کرده بودم واسه اومدن پای سفره، همون وقت اومدن! منتهی واسه عرض تسلیت و خاکسپاری...! (شبا زودتر بچه ها رو میخوابوندم و دو تایی...! بیدار بودیم و میوه میخوردیم و صحبت میکردیم...!)

همه‌ی دلخوشی ام آخر شبها این بود...  
دو سه خط با تو سخن گفتن و آرام شدن...

یهو وسط حرفش میگفت: «خانوم... اگه من شهید شدم بهم افتخار کن...» میگفت: «وا به چی افتخار کنم؟! به این که شوهر ندارم؟!» میگفت: «به این افتخار کن که من همه رو دوست دارم و به خاطر همه مردم میرم، اگه نرم دشمن میاد داخل خاکمون! پیش از ما هم اگه شهدا نمیرفتن! حالا ما هم نمیتونستیم تو امنیت و آرامش زندگی کنیم...» روز آخری که میخواست بره گفت:  
«بیایید وايسید عکس بگیریم!»

کوله شو که برداشت، رفتم آب و قرآن بیارم، فضا یه جوری بود!!! فکر میکردم این حالات فقط مخصوص فیلما و تو کتاب است! احساس میکردم، مهدی بال درآورده داره میره! از بس که خوشحال بود! ساکشو خودم جمع کردم، قرار بود ۴۵ روزه بره و برگرده ولی...  
**۲۱ روز بعد شهید شد...!**

چنان مشتاقم ای دلب به دیدارت که از دوری  
بر آید از دلم آهی بسوذ هفت دریا را...

(همسر شهید، مهدی قاضی خانی)



